

فضای عمومی و رسانه ها

یورگن هابرماس
(Jürgen Habermas)

تهیه کنندگان: داود نوروزبیگی، سید میثاق اختر

www.iranjournalism.ir

هابرماس کیست

- یورگن هابرماس از فیلسوفان و نظریه پردازان اجتماعی معاصر و وارث مکتب فرانکفورت وزاده ۱۸ ژوئن ۱۹۲۹ میلادی در دو سلفدورف آلمان است. پدرش رئیس دفتر صنعت و تجارت شهر و پدر بزرگش مدیر یک آموزشگاه محلی بود. از این رو در خانهای پرورش یافت که علاوه بر برخورداری از ویژگی‌های طبقه متوسط، دارای گرایش‌های روشنفکری هم بود. هابرماس در شهر گومرباخ و در دانشگاه‌های گوتینگن، بن و زوریخ تحصیل کرد. سپس روزنامه‌نگاری آزاد را پیشه‌ی خود ساخت. در سال ۱۹۵۴ از رساله‌ی دکترای خود با عنوان مطلق و مفهوم تاریخ دفاع کرد. همین مختصر، ظرف زمانی و مکانی را که هابرماس در دل آن جامعه پذیر شده نشان می‌دهد. وی در درون جریانات روشنفکری آلمان، به ویژه در دوره‌ی ظهور و سلطه نازی‌ها رشد یافت و طی سال‌های دهه‌ی ۱۹۵۰ به مطالعه‌ی آثار "گئورگ لوکاچ" پرداخت و سخت تحت تاثیر آنها قرار گرفت.

- هابرماس همچنین آثار پیش‌کسوتان دبستان فرانکفورت را مطالعه کرد. در سال ۱۹۵۶ وی در دانشگاه فرانکفورت دستیار "تئودور آدورنو" شد. از ۱۹۶۱ در دانشگاه هایدلبرگ به تدریس فلسفه پرداخت و از ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۱ در دانشگاه فرانکفورت جامعه‌شناسی و فلسفه تدریس کرد. از ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱ هابرماس مدیریت تحقیقات مؤسسه‌ی "ماکس پلانک" در "استارنبرگ" را برعهده گرفت. پس از بازگشت به فرانکفورت در ۱۹۸۱ بزرگ‌ترین اثر خود، نظریه‌ی کنش ارتباطی را در دو جلد منتشر ساخت. از ۱۹۸۳ در دانشگاه یوهان ولفگانگ گوته در شهر فرانکفورت مشغول تدریس شد و سپس بازنشسته شد.



مهم‌ترین آثار هابرماس

● هابرماس تا کنون ده‌ها جلد کتاب تهیه و تدوین کرده و دست کم سه هزار اثر درباره‌ی او و اندیشه‌هایش به چاپ رسیده است که معدودی از معروف‌ترین آثار وی عبارتند از:

- ۱- به سوی جامعه‌ای عقلانی (۱۹۷۰)
- ۲- شناخت/دانش و علائق انسانی (۱۹۷۱)
- ۳- نظریه و عمل (۱۹۷۴)
- ۴- بحران مشروعیت (۱۹۷۶)
- ۵- ارتباط و تکامل جامعه (۱۹۷۹)
- ۶- نظریه‌ی کنش ارتباطی (۱۹۸۱)
- ۷- مقولات فلسفی نوگرایی (۱۹۸۷)
- ۸- اندیشه‌ی پساتفیزیکی (۱۹۸۸)
- ۹- درباره‌ی منطق علوم اجتماعی (۱۹۸۸)
- ۱۰- تغییر شکل ساختاری گستره‌ی همگانی (۱۹۸۹)

فضای عمومی و رسانه

- یورگن هابرماس در کتاب دگرگونی ساختاری حوزه عمومی به تبیین پیدایش تاریخی اجتماعی افکار عمومی طبقه ی متوسط و بورژوا و استقلال نسبی آن از سلطنت مطلقه در اروپای قرون هجدهم و نوزدهم می پردازد.
- وی حوزه ی عمومی یا به بیان صحیح تر، آن چه «حوزه ی عمومی بورژوایی» می نامد را زاده ی ویژگی های اصلی جامعه ی سرمایه داری روبه رشد در انگلستان سده ی هجدهم می داند که طی آن کار آفرینان سرمایه دار توانستند برای کسب استقلال از دولت و کلیسا مبارزه کنند و به خواسته ی خود دست یابند.
- هابرماس تعبیر حوزه عمومی را در اطلاق به عرصه ای اجتماعی به کار می برد که در آن افراد از طریق مفاهمه و استدلال مبتنی بر تعقل و در شرایطی عاری از هرگونه فشار، زور و در شرایط برابر برای تمام طرف های مشارکت کننده مجموعه ای از رفتارها، مواضع و جهت گیری های ارزشی و هنجاری را تولید می کند.
- آنچه موجب جلب نظر هابرماس به مقوله حوزه عمومی شده است، اهمیت این مفهوم به عنوان اساس نقد جامعه مبتنی بر اصول دموکراتیک بوده است.

- این حوزه، عرصه فکر، گفت وگو، استدلال و زبان است. شرایط مکالمه باز و آزاد در حوزه عمومی متضمن این اصل است که هیچ فرد یا گروهی نمی تواند در خارج از این حوزه (یعنی در عرصه قدرت) مدعی شناخت بهتر خیر و صلاح جامعه باشد. هر کس بالقوه حق شرکت در این فضا را دارد، و هیچ کس را امتیازی نسبت به دیگران در این فضا نیست، چنین موقعیتی است که نقش دولتمردان یا عناصر سرمایه دار و بانفوذ را هم ارز نقش «شهروندان عادی» می کند. هابرماس ریشه های تاریخی و مکانی ظهور حوزه عمومی را در درون سالن ها و مجامع عمومی بحث های آزاد و علنی پیگیری می کند.
- از جمله باشگاه ها، کافه ها، روزنامه ها و مطبوعات که در واقع طلایه دار و پیشگام روشنگری ادبی و سیاسی به شمار می آیند. حوزه یا حوزه های عمومی در هر فضایی تشکیل می شود که در آن تعقل و گفت وگو درباره مسائل عمومی صورت گیرد. رشد و گسترش حوزه عمومی لزوماً تابعی از روند نوسازی و مدرنیسم نیست، و حتی حوزه عمومی می تواند در جامعه سنتی شکل بگیرد، گسترش حوزه عمومی در واقع تابع پیدایش امکان گفت وگو و تعقل آزاد است.

- عمده ترین اشکال نهادی حوزه ی عمومی که هابرماس به آن ها اشاره می کند عبارتند از «سالن ها» در فرانسه، محافل ادبی و آموزشی در آلمان و قهوه خانه ها در انگلستان، که محل بحث و مناظره درباره ی مسائل و موضوعات بودند. این نهادها سه معیار مشترک داشتند:

۱. همه شرکت کنندگان در بحث، برابر و هم شأن تلقی می شدند؛

۲. مباحث بر موضوعاتی متمرکز بود که به ندرت مورد پرسش اشراف زمین دار قرار می گرفت؛

۳. هر کس مجاز به شرکت در مباحث حوزه عمومی بود

- در راستای مبارزه برای استقلال از دولت به عنوان استراتژی اساسی حوزه ی عمومی بورژوازی، مبارزه ای طولانی برای تأسیس نشریات مستقل از دولت شکل گرفت. مطبوعات سده های هجدهم و نوزدهم در عین حال که دربرگیرنده ی طیف گسترده ای از نظرات بودند، به شکل قابل توجهی خود را متعهد می دانستند که مسائل مربوط به پارلمان را به طور کامل پوشش دهند و این نشانه ی بارزی از پیوند مبارزه برای آزادی مطبوعات با مبارزه برای اصلاحات پارلمانی بود.

سه عنصر حوزه عمومی

● هابرماس، سه عنصر اصلی حوزه ی عمومی را این گونه برمی شمارد:

۱. حوزه ی عمومی به مکانی برای تبادل نظر نیاز دارد که برای همه قابل دسترسی باشد و امکان بیان و مبادله ی تجربیات اجتماعی و دیدگاه ها در آن جا وجود داشته باشد.

۲. در حوزه عمومی، مواجهه با دیدگاه ها و نقطه نظرات از طریق مباحثه ی عقلانی و منطقی صورت می گیرد. به این معنی که انتخاب سیاسی «منطقی» تنها زمانی ممکن است که حوزه ی عمومی در وهله ی نخست، شناخت و درک آشکاری نسبت به گزینه های ممکن عرضه کند؛ به طوری که هر شخص بتواند از بین آن گزینه ها دست به انتخاب بزند. رسانه ها باید گسترده ترین طیف ممکن چارچوب ها یا چشم اندازها را عرضه کنند تا شهروندان نسبت به آن چه که انتخاب نکرده اند نیز آگاه شوند.

۳. بازبینی و نظارت منظم و نقادانه بر سیاست های دولت، وظیفه ی اصلی حوزه ی عمومی است.

● هدف اصلی حوزه ی عمومی این است که میان شهروندان، درباره ی «خیر مشترک» بحث های انتقادی عقلانی صورت گیرد تا این امر به صورت بندی یا تدوین سلسله اقداماتی که در جهت منافع عموم عمل می کند، منتهی شود.

رسانه ها و ارکان کارآمد حوزه عمومی

- رسانه های جمعی با توجه به تمرکزشان بر انتشار اخبار و تحلیل های انتقادی در مورد عملکرد دولت، یکی از ارکان حوزه ی عمومی کارآمد هستند.

- هابرماس در کتاب خود، طرح کلی حوزه ی عمومی بورژوازی در قرن هجدهم در قالب قلمروهای اجتماعی را چنین ترسیم می کند: جدایی جامعه و دولت، باعث جدایی حوزه ی عمومی از قلمرو خصوصی شد. حوزه ی عمومی و حوزه ی اقتدار دولت پا به پای هم گسترش می یافتند. درون قلمرو خصوصی، «حوزه ی عمومی» واقعی قرار داشت، زیرا از افراد خصوصی تشکیل شده بود. بنابراین، در قلمرویی که جایگاه افراد خصوصی بود، باز هم بین حوزه های عمومی و خصوصی تمایز وجود داشت. حوزه ی خصوصی هم شامل جامعه ی مدنی و هم شامل خانواده ای بود که خود دارای «فضایی صمیمی» بود. حوزه ی عمومی سیاسی از حوزه ی ادبی نشأت گرفت و موفق شد از طریق افکار عمومی، دولت را با نیازهای جامعه آشنا و سازگار سازد.

سه دوره تاریخی انتشار خبر از نگاه هابرماس

برای فهم نقش رسانه ها در گسترش حوزه ی عمومی و گفت و گوی انتقادی و نیز اُفول حوزه ی عمومی به واسطه ی تجاری شدن رسانه ها و فزون خواهی مستمر سرمایه داری، آشنایی با سه دوره ی تاریخی انتشار خبر در نگاه هابرماس ضروری است:

نوع رسانه	محتوای مورد تاکید	دروازه بانان اصلی / نفوذ
خبرهای حاوی اطلاعات	اخبار واقعی	نامشخص
نشریات و گاه نامه های انتقادی	تفسیر ، گفت و گوی ادبی و سیاسی	سردبیر ، نویسندگان (حوزه عمومی)
نشریات با عنوان مصرف کننده	آگهی ، روابط عمومی	ناشران ، مالکان

پایه‌ریزی صنعت روزنامه‌نگاری

- نشریات و گاه‌نامه‌های انتقادی که از دل حوزه‌ی عمومی سربرآورده بودند، با بسط و گسترش گفت و گوی عقلانی و انتقادی و هشیارسازی سیاسی، نقش مهمی در پیشبرد و تعمیق مدرنیته‌ی سیاسی داشتند. اما بعدها به خاطر تجاری شدن رسانه‌ها و کاهش محتوای سیاسی، جماعت تحلیل‌گر فرهنگ، به توده‌ی مصرف‌کننده‌ی فرهنگ تبدیل شدند و با ادغام دوباره‌ی دولت و جامعه و «باز فئودالی شدن حوزه‌ی عمومی»، فضا برای پیدایش نوعی حوزه‌ی عمومی فریبکارانه و نمایشی فراهم شد.
- صنعت روزنامه‌نگاری، در آغاز به‌عنوان صنعتی کوچک پایه‌ریزی شد و مدت‌ها با نقطه نظرات و دیدگاه‌های رقابتی، مورد توجه قرار گرفت. "هابرماس" این دوره را به‌عنوان شکلی از روزنامه‌نگاری (ژورنالیسم) ادبی، دسته‌بندی می‌کند. اهداف تجاری تولید اخبار، از این نقطه‌نظر، رو به خاموشی نهاد. در حالیکه خبرگزاری‌ها به چیزی تبدیل شدند، که "هابرماس" از آن به‌عنوان "اسبِ چوبی نجیب‌زادگان"، یاد می‌کند. اما تا پایان عصر لیبرال، که "هابرماس" آن را اوایل دهه ۱۸۷۰ میلادی می‌داند، ظهور سرمایه‌داری انحصاری در مورد تجاری شدن خبرگزاری‌ها اتفاق افتاد. بازنمایی فرم‌های ادبی به‌وسیله‌ی روزنامه‌نگاران متخصصی که به‌واسطه‌ی علایق شخصی مالکان [خبرگزاری‌ها] هدایت می‌شدند، جایگزین می‌گردید

نتیجه گیری

• حوزه عمومی و کارکردهای آن

منظور از حوزه عمومی یک فضای آزاد با قلمروی که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث آزاد ، باز ، علمی فراهم می آیند. کارکردهای حوزه عمومی عبارتند از:

۱- انتخابات مقامات عمومی به صورت عمومی

۲- آزاد شدن مبادله کالا

۳- حق رأی برابر

۴- آزادی بیان و مطبوعات

۵- باز تولید جامعه مدنی

هابرماس و رسانه های جمعی

از نظر هابرماس رسانه باعث مصرف گرایی توده ها می شوند. سلطه فرهنگی از طریق رسانه ها مثل تلویزیون ایجاد می شود.